

قیژه دل بی که چنی سی ته ورئسا غزلم

خوانش غزلی از مجموعه شعر لری «ترانه های هل و میخک» عابد چگنی

ابراهیم خدائی

Loor.ir

می گرت پلم تنن تی مه نمئی سا غزلم / ناؤنم ناز تنن ما بکشم یا غزلم
قافیہ چش ده گریوه همه ورنیسکه سیت/ دل مه فیسس ده اسر، بی مٹ دریا غزلم
تش جگایی ته بلیزه وه اسر کور نمو/ چون دلم سوخته ده غم بو کزش اوما غزلم
تاکه نؤحلمونه دیدمت رگ دس پام گئیس / قیژه دل بی که چنی سی ته ورئسا غزلم
می کشم عشق ته جائی که پری وش نرسه / رت منی گئیس ته گم بی و دیئه نیوما غزلم
وا اریوه چش نازت مه الیسونه حنم / چلی سرو دختر دم بخت وه شوؤئا غزلم
چون دمت گرمه هناسه ت ریژنه عشقه ده شعر / هر کسی حال خوشه می که چنی وا غزلم
دل مه تزگاه اوستایی زرتشته هنی / چون اهورا ده هوس می کشه هورا غزلم
هر دلی عاشقه داره یه امیدئی ده سفر / پر ده آؤخته هنی وا غم لیلا غزلم

مجموعه شعر «ترانه های هل و میخک» شامل سروده های عابد میرزاییان چگنی به زبانهای فارسی و لری خرم آبادی توسط انتشارات سیفا در سال 1386 انتشار یافته است.

دکتر مسعود سپهوندی در مقدمه کتاب آورده است: «عابد میرزاییان چگنی از معدود شاعران بومی سرای ماست که در عرصه شعر لری اکثر توانایی های زبان مادری اش را هنرمندانه به خدمت گرفته است و موید این مطلب، عمق اندیشه و وسعت تعبیر و تناسب لیلی و معنوی و به هم پیوستگی صور خیال و وحدتی است که در جزء جزء شعر او نمایان است.» (ترانه های هل و میخک، ص 13)

ابتدا بر آن بودم نقدواره ای بر این مجموعه شعر بنویسم اما در نهایت دریافتم این مجموعه ظرافتها و لطایف فراوانی دارد که در یک نوشتار بدان نتوان پرداخت. به همین خاطر فعلا تنها به خوانش غزلی از این مجموعه اکتفا می‌کنم، امیدوارم گامی باشد در جهت معرفی و شناخت بیشتر این سخنسرای بومی معاصر لرستان.

بیت نخست:

می گرت پلم تَنن تی مه نمی سا غزلم

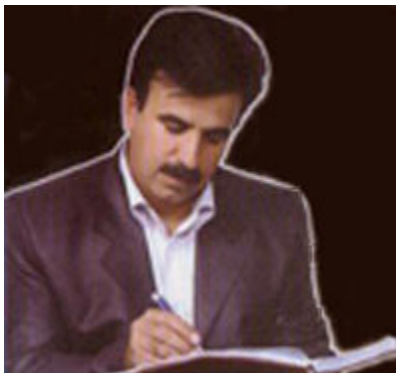
ناؤنم ناز تَنن ما بگشتم یا غزلم

می گرت: می گرفت - پلم: بهانه - تی: پیش، نزد - مه: من - نمی سا(مخفف: نمی هیسا): نمی ایستاد
ناؤنم: نمی دانم - تَنن: تورا - ما (مخفف: می حا) بگشتم: باید بگشتم -

در همین بیت آغازین سراینده دو بدعت قابل اشاره برای تجربه شاعری لری ارمغان آورده است. نخست اینکه او عزم قلم را بر آن جزم نموده که «غزل لری» بسراید. در وادی ادبیات لری که بیش و پیش از هرچیز با تک بیت‌های میرنوروزی و دوبیتی‌های باباطاهر و فایز و حداکثر برخی مثنوی‌ها و ترانه‌های کوتاه‌آشنایی دارد پرداختن به قابل غزل از نیر فرم و قالب شعر یک نوآوری است.

دومین بدعت عابد که در همین بیت نخست خودنمایی می‌کند ساختن تصویری بدیع و بی سابقه در ادبیات بومی لری است و آن شخصیت بخشی به شعر و یک قالب شعری (غزل) و گفتگو و چالش با اوست:

غزلم (شعرم) بهانه ی تو را می‌گیرد و پیشم طاقتم نمی‌آورد، در مانده‌ام و نمی‌دانم ناز تو را بگشتم یا ناز غزل را؟!



من قبلا در نوشتاری درحاشیه جشنواره شعر لری بختیاری «تمدار بیت» از روند تاثیر پذیری گسترده از شعر فارسی و مخصوصا آنچه پرداختن به قالب‌های شعر کلاسیک فارسی (بیش از همه غزل و سپس مثنوی) و اینهمه رعایت

قواعد عروضی عربی را برای روح شعر لر آزاردهنده عنوان کردم (این یادداشت در گزارش جشنواره در نشریه اینترنتی لور منتشر شد) و بیم آن دارم ادبیات نوپای معاصر ما از این ناحیه متضرر شود و در همین آغاز ارتباط خود را با پیشینه موسیقی و شعر شفاهی خویش از دست بدهد.

اما باید دانست هر نوزایی و تردستی هنری هزینه ای دربردارد که گاه چاره ای جز پرداخت آن نیست.

بیت دوم:

قافیه چشم ده گریوه همه ورنیسکه سیت

دل مه فیسس ده اسر، بی مٹ دریا غزلم

ورنیسک: سسکه ای که در اثر گریه شدید دست می دهد- فیسس: خیس و نمناک شد- اسر: اشک- بی: شد-مٹ: مخفف مٹل

باز این بیت همان نوآوریها و تصویرسازی های شاعر در بیت نخست را دامن می زند. در ابیات دیگری از شعر عابد هم همین مساله وجود دارد:

چشم سیائی که ونه از گل عشقی ده کلم / وش گتم کسوختمه گش نکه اوفیش دلم / رنگ دل بی وه گنل پا، غزل
اوما ده رکوا / گیس نازش ونه طوقی ده جفا دؤر ملم

غیز از شعر عابد همین تصویر در سخن دیگر غزلسرایان لر نیز امروزه زیاد به چشم می خورد، به این نمونه ها بنگرید:

دلم ای خو یه غزل وت بنویسم سی که / جا قلم، خوم وه سر ای بلگ بدیسم سی که / او قدر خرس بریزم بی هر بیٹ
غزل / که وه طهر گل او دیده بخسیم سی که / .. غزلم داره تموم ای بو و گپ پر دلمه / وه همی خرس پتی، تریجلیسم
سی که

علی مرادی - کهگیلویه

و نیز این ابیات:

دیّه کسی نی که بپرسه وه مه حال دلمه / یا که درمون بکنه زخم گوال دلمه / .. نی ترم پر بزئم تی ته بیئیم امشو /
ایچه به ای شعر و غزل بستنه بال دلمه

مرتضی خادمی - ممسنی

حیف است به بیت بعدی بپردازیم پیش از آنکه به زیبایی تکرار حرف «س» در این بیت دقت نکنیم: ورنیسک،

سیت، فیسس، اسر، مٹ



ترانه های هل و میخک، عابد میرزاییان چگنی، خرم آباد: سیفا، 1386، 115 صفحه

بیت سوم:

تش جگایی تہ بلیزه وه اسر کور نمو

چون دلم سوخته ده غم بو کزش اوما غزلم

جگایی: جدایی- بلیز: آتش افروخته و شعله ور- اسر: اشک- نماؤ: نمی شود- بوکز: بوئی که از سوختن پشم یا لباس به

مشام می رسد و همچنین ماست یا شیر که بر اثر حرارت بوی دود می گیرد (ایزدپناه)

در بیت سوم تصویر ناب و بدیع «بوکز اوماین غزل» مخصوصاً در کنار هم قرار گرفتن هنرمندانه یک واژه غیر

لری و ظاهراً نامانوس در جملات لری (غزل) در کنار یک تعبیر کاملاً ناب (بو کز اوماین) آنهم چنین سازگار و مانوس و

صمیمی خواننده را سخت تحت تاثیر قرار می دهد.

در این بیت همچنین هم آهنگی واژه های: کور، نمو، بو و اوما گوش نواز است

بیت چهارم:

تاکه نؤحلمونه دیدمت رگ دس پام گئیس

قیژه دل بی که چنی سی ته ورئسا غزلم

نؤحلمونه: ناگهان- رگ دس پام کشس: دست و پایم را گم کردم- قیژه: فریاد- ورئسا: برخاست

فاعل «ورئسا» در این بیت کدام کلمه است؟ در نگاه اول و مطابق ساختار جملات لری پنداری این قیژه و فریاد است که بر می خیزد اما درحقیقت سراینده «غزل» را نماینده فریاد سینه خویش می داند که در قالب کلمات و جملات بر می خیزد و سروده می شود: ناگهان تو را دیدم رگ دست و پایم گرفت غافلگیر شدم فریاد دلم در قالب غزلی ناب سروده شد از زبانم بیان گشت و در پیشگاه مخاطب شعرم است.

بیت پنجم:

می گشتم عشق ته جائی که پری وش نرسه

رت منی گئیس ته گم بی و دئه نیوما غزلم

می گشتم: می کشاندم- منی: دنبال و در پی

در این بیت آنچه بیش از هر چیز دیگر گفتنی است اشاره آن به افسانه پری چهل گیس است که در داستانها و متلهای بسیاری به اشکال متفاوتی مطرح می شود. در اغلب متلهای لری با چنین افسانه ها و اسطوره هایی بر می خوریم که جوانان بسیاری در پی پری زیبا روی و بلندگیسوی قصه به ناکجاآباد رفته اند و خبری از آنها باز نیامده است.

بیت ششم:

وا اریوه چش نازت مه الیسونه حنم

چلی سرو دختر دم بخت وه شوئا غزلم

اریوه: لفظی -ظاهرا فاقد معنایی خاص- است که خوانندگان لر در هنگام خواندن مقام الیسونه تلفظ می کنند.

الیسونه (=علیسونه- علی یوسی- علییدیوسی): «یکی از کهنترین و رایجترین آوازهای لری است در گوشه ی «داد» دستگاه مهور اجرا می شود و از فاصله ی مهور شروع شده و به طرف بالا رونده حرکت می کند.» (سیف زاده، ص

چلی سرو: چه‌لیسرو یا چهل سرود: نوعی فال که با خواندن تک بیت‌هایی (معمولا به زبان لکی) انجام می‌شود.

خَنم: خواندم

در این بیت اشاره به واژگانی از عالم موسیقی و ادب شفاهی لرستان از قبیل ارئوه، ایسونه و چلیل سرو و.. زیبایی خاصی دارد.

بیت هفتم:

چون دَمِت گرمه هناسه ت ریژنه عشقه ده شعر

هر کسی حال خوشه می که چنی وا غزلم

هناسه: تنفس- ریژنه: ریخته است- می که: می کند

در این بیت چینش واژگانی همچون «دم گرم»، «هناسه»، «عشق»، «حال» فضایی عرفان آلود را ترسیم می‌کند و انسان را به یاد این بیت مولوی می‌اندازد:

هر کسی از این خود شد یار من/ از درون من نجست اصرار من

بیت هشتم:

دل مه تزگاه اوستایی زرتشته هنی

چون اهورا ده هوس می کشه هورا غزلم

در این بیت چندین کلمه غیر لری و غایب در قاموس واژگان لری به کار رفته است اما حقیقا چینش آنها در کنار واژه ناب لری «تزگاه» (آتشدان) چنان هنرمندانه است که به راحتی نمی‌توان متوجه شده اینهمه واژه غیر لری در بیت است: اوستا، زرتشت، اهورا، هورا، غزل.

همچنین واج‌ارایی حرف «ه» در کلمات هنی، اهورا، هوس و هورا گوش نواز است.

بیت آخر:

هر دلی عاشقه داره یه امیدئ ده سفر

پر ده آؤخته هنی وا غم لیلا غزلم

اوخت: آرزو- هنی: هنوز

«لیلا» در سراسر سروده های «هل و میخک» حضور دارد. چه این نام مصداق خارجی مشخص و مجزا هم داشته باشد و چه فقط در شعر وی حیات یافته باشد، لیلا نماد معشوق و محبوب است. در سروده های دیگر همین مجموعه هم می خوانیم:

دلم سی گئیس لیلا می گرئوه / مٹ مجنون ده که یا می گرئوه

عشقم زرنس گاله مه افتایه ولیم که / چی لیئوه هناسم غم لیلایه ولم که

غزل نوشته دلم سی چشیت هنی لیلا / که وا مه عهد و قراری نمی ونی لیلا / کجا رتی که دلم سی ته

پاپریکی بی / ته بال و پر من بدبخت ورکنی لیلا

برخی منابع:

پیشینه تاریخی موسیقی لرستان، سید محمد سیف زاده، خرم آباد، افلاک 1377

فرهنگ قوم لر، عزت الله چنگایی، محمد حنیف، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران: 1374

فرهنگ لری، حمید ایزدپناه، تهران: اساطیر 1381

ترانه های هل و میخک، عابد میرزاییان چگنی، خرم آباد: سیفا، 1386